

رفیق امیر باقری

رفیق امیر در دورود متولد گشت. از همان کودکی به علت اختلافات خانوادگی، سرپرستی اش به خانواده‌ل زحمت کشی سپرده شد. وی در طول زندگی با نامادری زحمت کش اش، از نزدیک با درد و رنج کارگران و زحمت کشان آشنا گردید و محرومیت‌ها و فشارهای اجتماعی آنان را با پوست و گوشت خود لمس نمود و با نفرت از این محرومیت‌ها و بی‌عدالتی‌ها و امید به از میان رفتن آنها و متحقق گشتن ارزش‌های انسانی به مبارزات توده‌ها علیه ستم و بی‌عدالتی پیوست و با تمام انرژی در انقلاب 57 شرکت جست. پس از پیروزی قیام بهمن با پیوستن به " سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران" به مبارزه علیه ستمگری و استبداد، ادامه داد. در سال 58 وارد دانشگاه صنعتی شد و یکی از فعالین "پیش‌گام" گردید. در این دور با "راه‌کارگر" آشنا شد و با توجه به اپورتونیزم گسترش‌یافته در درون " سازمان چریک‌های فدائی خلق" و برای مبارزه با آن در مقطع انشعاب این سازمان به "راه‌کارگر" پیوست. از آن به بعد امیر یکی از یاران و همراهان پرکار و وفادار ما شد. او برای بردن شعارها و اهداف سازمان ما به میان توده‌ها و رشد آگاهی سیاسی آنان، به طور شبانه روزی فعالیت می‌نمود، در این راه خستگی نمی‌شناخت و لحظه‌ای آرامش نداشت. همواره سخت‌ترین وظایف تشکیلاتی را به عهده خود می‌گرفت و با بیش‌ترین تلاش و دقت پیش می‌برد. رفیق یک بار در سال 59 دستگیر گشته و بعد از مدتی آزاد شد. پس از آزادی با انرژی دو چندان به مبارزه پرداخت و این موجب گردید در مدت کوتاهی مجدداً در دام جانبدان حاکم گرفتار آید. بی‌قراری او در زندان برای آزادی و پیش‌برد مبارزه با همه توان و انرژی در خارج از چهار دیوار تنگ سلولش، باعث شد اقدام به فرار از زندان بروجرد بنماید. اما متأسفانه در جریان آن توسط جلادان خمینی دستگیر شد و در سوم مهر 1360 چون بلشویکی پاک‌باخته، مرگ سرخ را پذیرا گردید. شهادت او قلب بسیاری از کارگران و زحمت‌کشان دورود را ملامت از اندوهی عظیم نمود و تنفرشان را از رژیم ددمنش خمینی دو چندان کرد. نامش گرامی و راهش پررهرو باد.

